

## سهراب سپهری و اگزستانسیالیسم

عرفان مدرن در اندیشه و ادبیات معاصر فارسی ۱

منبع: روزنامه سازندگی، شماره ۵۰۹، روز چهارشنبه، مورخ: ۹۸/۸/۸

سپهری شاعر و نقاشی است که می‌توان گفت، بر خلاف پاره‌ای از شاعران و نویسندگان و البته نظیر برخی دیگری از نویسندگان و شاعران، هر چه از مرگش می‌گذرد، محبوبیت، شهرت و احیاناً عمقش بر ما بیشتر متجلی می‌شود. ادیب و شعرشناس مشهور معاصر، دکتر شفیع کدکنی، پیشتر وقتی در باب شعر معاصر می‌نوشت و سخن می‌گفت، منزلتی که به لحاظ تکنیک‌های شعری و برخی توضیحات دیگر برای اخوان، فروغ یا شاملو قائل بود، برای سپهری قائل نبود. اما هرچه پیشتر آمدیم، ایشان، به عنوان نمونه در آخرین اثر خود، با چراغ و آینه، توضیحی راجع به سپهری می‌دهد و منزلتی برای او قائل می‌شود که پیشتر نبوده. ایشان می‌گویند که پنجاه سال بعد هیچ معلوم نیست که شان و منزلت سپهری و فروغ کمتر از شاملو باشد و به تعبیری چنان به شاملو باج نمی‌دهد، چنانکه یکی از خوانندگان آثار ایشان آورده بود.

باری، من در مقام داوری میان بزرگان شعر معاصر نیستم، هم فروغ را خیلی دوست دارم چنان که درباره او نوشته‌ام، هم اخوان را دوست دارم هر چند درباره او ننوشته‌ام، اما اشعارش را بسیار خوانده‌ام؛ شاملو را هم خیلی دوست دارم، اما به لحاظ روحی و اگزستانسیال چنان که افتد و دانید با سپهری انس و قرابت معنوی بسیار دارم. علی‌ای حال مرادم این است که منزلت این شاعر و نقاش معاصر هر چه گذشته، بیشتر شده است. چنان که در این کتاب خواهیم دید، داوری و رأی من در باب سپهری به‌طور خلاصه و در یک جمله از این قرار است که سهراب شاعری سهل و ممتنع است. ذیل سلاست و لطافت و روانی‌ای که مثل آبی که در جویبار جاری است و در هشت کتاب موج می‌زند، ژرفایی نهفته است، و نوعی بینش و نگرش<sup>۱</sup> عمیق به هستی و مسائل گوناگون آن موج می‌زند.

در پاره‌ای از مصاحبه‌ها و نوشته‌های سالیان اخیر خود آورده‌ام که سپهری یکی از متفکران اگزستانسیال معاصر ما بوده است. در ابتدای بحث مایلیم در باب آن سخن بگویم تا به سر وقت آشنایی خود با سپهری برویم.

به مناسبت چهلمین سالگرد وفات دکتر شریعتی مصاحبه‌ای از من در سایت «زیتون» منتشر شد. آنجا گفتم که در کنار علی شریعتی، سهراب سپهری و فروغ فرخزاد در زمره متفکران اگزیستانسیالیست معاصر هستند. از قضا هر سه ایشان فلسفه خوانده نبودند، اما متفکر بودن اعم از فیلسوف بودن است. داستایفسکی هم یک متفکر اگزیستانسیالیست است. شما اگر درس‌های دانشگاهی «درآمدی بر اگزیستانسیالیسم» را در آمریکای شمالی و اروپا ببینید و بگذرانید، خواهید دید که چند جلسه راجع به داستایفسکی بحث می‌شود. در ابتدا و حوالی سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میلادی که به تورنتو آمده بودم و در دانشگاه تورنتو مشغول تدریس و تحقیق بودم، به چند کلاس درس هم سر می‌زدم، در آنها شرکت می‌کردم و می‌آموختم؛ یکی از این کلاس‌ها که بسیار جذاب بود و من دو بار (در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۲-۲۰۱۳) در آن شرکت جستم، تحت عنوان «درآمدی بر اگزیستانسیالیسم»<sup>۱</sup> بود. هنگامی که استاد درس آراء اگزیستانسیالیست‌های معاصر را تقریر می‌کرد، از نیچه آغازید و به فیلسوفان دیگری مثل یاسپرس و مارسل هم پرداخت. در عین حال به دو شخصیت غیر فیلسوف هم نسبتاً مبسوط پرداخت، یکی ویکتور فرانکل و دیگری داستایفسکی. دو سه نوبت راجع به داستایفسکی مفصل بحث کرد و کتابهای جنایات و مکافات، برادران کارامازوف و یادداشت‌های زیر زمینی را مورد بررسی قرار داد. البته از هایدگر، فیلسوف مشهور قرن بیستمی، و همین‌طور هوسرل و برخی دیگر از فیلسوفان این سنت هم به نحو مبسوط یاد شد. اما مرادم این است که از دو شخصیت غیر فیلسوف که در ژانری غیر از ژانر فلسفی طبع آزمایی کرده بودند، ذکری رفت و به تفصیل آرایشان به بحث گذاشته شد. بر این سیاق فکر می‌کنم اگر در میان ما بنا باشد سنت اگزیستانسیالیسم در ایران معاصر تبارشناسی شود، بدون تردید باید به کویریات شریعتی، هشت کتاب و اتاق آبی سپهری و اشعار فروغ فرخزاد، مشخصاً سه دفتر عصیان، تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد پرداخته شود. لذا پرداختن به سپهری، پرداختن به شاعری است که واجد بارقه‌ها و بینش‌های بسیاری است که به ما کمک می‌کند تا از منظر این شاعر - متفکر معاصر به جهان پیرامون نظر افکنیم.

---

۱. An Introduction to Existentialism